

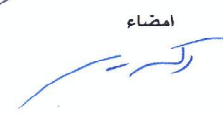






تائیدیه اعضای هیات داوران حا

{ از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیات داوران نسخه نهایی پایان نامه خاتم / آقای **طاهر مرمری** تحت عنوان

را از نظر فرم و محتوی بررسی نموده و پذیرش آن را برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد پیشنهاد می کنند .

اعضای هیات داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضاء
۱- استاد راهنما	رضیا اکبری	دکتر	
۲- استاد مشاور	مدرس	دانشیار	
۳- استاد ناظر	حاج علی کرمی	دانشیار	
۴- استاد ناظر	حسین زاهدی	دانشیار	
۵- نماینده تحصیلات تکمیلی	مدرس		

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیت های علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاهمدانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:
«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری نگارنده در رشته فلسفه است که در سال ۱۳۹۰ در دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم/جناب آقای دکتر رضا آبرین، مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر محمد میرزایی

و مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر ... از آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب ناظم مروری دانشجوی رشته فلسفه مقطع کارشناسی ارشد تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: ناظم مروری

تاریخ و امضا:

۹۱ / ۲ / ۳

آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهشهای علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهشهای علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرحهای تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می باشد.


تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثر هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین‌نامه های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

«اینجانب..... دانشجوی رشته..... و رودی سال تحصیلی.....»
مقطع..... دانشکده..... متعهد می شوم کلیه نکات مندرج در آئین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته های علمی مستخرج از پایان‌نامه / رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آئین‌نامه فوق‌الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می‌دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هر گونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله بر اساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هر گونه اعتراض را از خود سلب نمودم»

امضا: 

تاریخ: ۱۳۹۱/۲/۲۲



دانشکده علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه اسلامی

حقیقت سعادت از دیدگاه ملاصدرا و علامه طباطبایی

فاطمه موسوی

استاد راهنما:

دکتر رضا اکبریان

استاد مشاور:

دکتر محمد سعیدی مهر

بهمن 1390

همای اوج " سعادت " به دام ما افتد

اگر تو را گذری بر مقام ما افتد

تقدیم به یگانه امید بشریت ، نور السعاده

صاحب الامر و الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

و

تقدیم به پدر و مادر عزیزم

که گرما بخش وجودم هستند

و

تقدیم به همسرم

که همسفرم خواهد بود

با کمال سپاس و تشکر از استاد گران قدر

جناب آقای دکتر رضا اکبریان

که شوق جست و جوی حقیقت را در دل ما شعله ور کردند و راهنمای من بودند

و با قدردانی از زحمات

جناب آقای دکتر محمد سعیدی مهر که صمیمانه یاری ام کردند

چکیده:

پژوهش حاضر می‌کوشد تا حقیقت سعادت را از دیدگاه ملاصدرا و علامه طباطبایی بررسی کند. تبیین نظریه سعادت علامه طباطبایی با توجه به مبانی نظری فلسفه‌ی او و اثبات نوآوری‌های علامه در این مسئله از مهم‌ترین فصل‌های این پژوهش به شمار می‌رود. ما در ابتدا به بیان ارتباط سعادت با عناصر اصلی حکمت متعالیه‌ی ملاصدرا و علامه طباطبایی و توضیح نقش این مبانی بر سعادت حقیقی از دیدگاه آن‌ها می‌پردازیم. پس با در کنار هم قرار دادن این عناصر می‌کوشیم تا حقیقت سعادت از نگاه آنان را ترسیم کنیم. در طی این مراحل با اشاره به تفاوت‌های مبانی ملاصدرا با حکمای پیشین از جمله فارابی، ابن سینا و سهروردی به طرح جدید و نوی ملاصدرا در ترسیم سعادت حقیقی می‌رسیم؛ و البته در عین حال با وجود آن که برخی اندیشمندان معاصر معتقدند علامه طباطبایی بر روی خطوط فکری ملاصدرا حرکت می‌کند، طرح نوی علامه را اثبات می‌کنیم. ملاصدرا سعادت را رسیدن به ساحت وجود بر محور معرفت و حکمت نظری می‌داند و از قرب الهی نیز در همین پارادایم صحبت می‌کند. علامه طباطبایی سعادت را قرب الهی می‌داند. وی عمل انسان را در کنار معرفت و ایمان راه رسیدن به سعادت می‌داند. در این پژوهش سعی می‌کنیم تا به طور مستدل اثبات کنیم که علامه طباطبایی در این مسئله، طرح ملاصدرا از حقیقت سعادت را با توجه به مبانی خویش تغییر می‌دهد؛ و این تفاوت نگرش با بازگشت به عناصر اصلی فلسفه‌ی این دو فیلسوف بزرگ روشن می‌شود. پس از تبیین حقیقت سعادت، در ادامه به عوامل رسیدن به سعادت و موانع آن از دیدگاه این دو فیلسوف می‌پردازیم و با بررسی تطبیقی آن، امتیازات و نقایص هر یک از آن‌ها را بیان می‌کنیم. در نهایت در این تحقیق به چارچوب اصلی مسئله‌ی سعادت حقیقی و چگونگی دستیابی به آن پرداخته شده است. با توجه به روشن شدن حقیقت سعادت انعکاس آن در بخش‌های دیگر و لوازم فلسفی آن نیز قابل بررسی خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: سعادت، سعادت حقیقی، کمال، ملاصدرا، علامه طباطبایی

1.....	فصل اول : کلیات و مقدمه
2.....	1-1 مقدمه
2.....	1-1-1 تعریف مسئله:
6.....	2-1-1 ضرورت انجام پژوهش:
7.....	3-1-1 سؤالات پژوهش:
8.....	4-1-1: فرضیه ها / پیش فرض ها
8.....	5-1-1 پیشینه پژوهش:
9.....	2-1 معناشناسی سعادت:
11.....	3-1 اصطلاح شناسی سعادت:
18.....	فصل دوم: سعادت حقیقی
18.....	1-2 مقدمه:
18.....	2-2 بنیانهای نظری بحث سعادت:
17.....	1-2-2 رابطه‌ی مباحث وجودشناسی و سعادت
17.....	1-1-2-2 ضرورت بحث از رابطه‌ی وجود و سعادت در مکتب ملاصدرا
24.....	2-1-2-2 نگرش وجودی به سعادت از دیدگاه ملاصدرا
28.....	3-1-2-2 ضرورت بحث از واقعیت در نظریه سعادت علامه طباطبایی
30.....	2-2-2 نقش خداشناسی و توجه به حق تعالی در تحصیل سعادت:
30.....	1-2-2-2 تقرب به خداوند از دیدگاه ملاصدرا
31.....	2-2-2-2 معرفت الله از دیدگاه ملاصدرا
33.....	3-2-2-2 نوآوری علامه طباطبایی در بحث قرب الهی و خداشناسی
36.....	3-2-2 نقش بحث حرکت در سعادت
41.....	4-2-2 رابطه‌ی معرفت شناسی با بحث سعادت
46.....	5-2-2 سعادت و معرفت النفس

56.....	6-2-2 روش شناسی معرفت:
68.....	3-2 تبیین سعادت حقیقی و اثبات آن
74.....	فصل سوم: عوامل و موانع سعادت:
75.....	1-3 مقدمه:
75.....	2-3 اراده انسانی زیر بنای نظریه سعادت:
79.....	3-3 عوامل سعادت.....
79.....	1-3-3 حکمت:
79.....	1-1-3-3 حقیقت حکمت:
82.....	2-1-3-3 متعلق معرفت در سعادت:
84.....	3-1-3-3 حکمت نظری شاهراه ملاصدرا برای رسیدن به سعادت:
88.....	4-1-3-3 رسیدن به رتبه عقل مستفاد:
90.....	5-1-3-3 الهیات مهمترین بخش حکمت نظری.....
90.....	6-1-3-3 حکمت عملی ضرورت عالم انسانی:
93.....	7-1-3-3 فنا، غایت حکمت عملی:
94.....	8-1-3-3 بررسی نقش اخلاق.....
96.....	9-1-3-3 سیاست و سعادت:
101.....	9-1-3-3 خانواده، عنصر فراموش شده حکمت عملی.....
102.....	2-3-3 عمل به طریقت:
105.....	3-3-3 ایمان حقیقی از دیدگاه ملاصدرا:
108.....	4-3-3 مقایسه تطبیقی عوامل سعادت:
120.....	4-3 موانع سعادت.....
121.....	1-4-3 جهل.....
125.....	2-4-3 تعلق نفس به بدن.....
127.....	3-4-3 لذت گرایی.....

131.....4-4-3 توقف در خیال و وهم

132.....5-3 جمع بندی و نتیجه گیری

فصل اول: کلیات

1-1 مقدمه:

در این فصل پس از بیان اهمیت و ضرورت انجام پژوهش اخیر، ضمن تبیین پرسش‌ها، فرضیات و اهداف پژوهش، روش‌ها و رویکردهای پیشبرد پایان نامه و سرانجام مراحل انجام آن به اجمال تبیین خواهد شد. سپس به بحث معنا شناسی سعادت می‌پردازیم و سعادت را در اصطلاح فلسفی بررسی خواهیم کرد.

1-1-1 تعریف مسئله:

سعادت از جمله مسائلی است که در طول زمان مورد توجه بشر بوده است و تقریباً تمام مکاتب بشری و الهی به آن توجه داشته‌اند. حتی مکاتبی که ادعا می‌شود سعادت نیستند به گونه‌ای در ضمیر ناخودآگاه خود به بحث سعادت توجه دارند. جهان بینی و نگرش نسبت به انسان سعادت را از دیدگاه هر مکتب معرفی می‌کند. پژوهش‌هایی که در زمینه سعادت در فلسفه اسلامی انجام شده است عمدتاً سطحی است و در ارتباط با اجزای فلسفه اسلامی بررسی نشده است. در طول تاریخ درباره‌ی سعادت تحلیل‌های متفاوتی ارائه شده است که بر خواسته از جهان بینی‌های متفاوت و ناشی از بینش و نحوه‌ی نگرش افراد به هستی و انسان است.

ابن سینا سعادت را ادراک حقایق موجودات به ادراکی عقلی می‌داند. یعنی بازگشت نفس به ذات عقلانی خویش و رسیدن به مرحله‌ای که با اتصال با عقل فعال تمامی حقایق به وسیله‌ی اشراق‌ها و فیض عقل فعال ادراک شود. در واقع وی انسان را مجموعه‌ای از قوا می‌داند و سعادت را مجموعه‌ای از کمالات این قوا معرفی می‌کند و از آن جا که نفس ذاتی عقلی دارد و عقل شریف‌ترین قوه در میان قوای آدمی است لذا سعادت انسان حقیقتی عقلی دارد و تنها کسی به آن دست می‌یابد که به مجرد عقلی دست یابد.

وی حتی روش رسیدن به چنین سعادت‌ای را عقلی و با استفاده از حکمت بحثی می‌داند. این نگاه نسبت به نفس در کنار نگرش تکثرگرایانه وی به جهان سازنده‌ی اصلی نظریه‌ی سعادت از دیدگاه ابن سینا است. در مقابل سهروردی با نگرش خویش نسبت به نور و ظلمت جهان را تفسیر می‌کند و نفس انسان را نور اسفهدیه می‌خواند. وی با نگرش تشکیکی خویش نسبت به انوار سعی می‌کند تفسیر بهتری از جهان ارائه دهد چرا که در این نگرش تشکیکی ارتباط موجودات با هم و با منبع نور، یا نورالانوار را به زیبایی تبیین می‌کند و به بسیاری از سوالاتی که در فلسفه‌ی ابن سینا باقی بود پاسخ می‌دهد. اما در نهایت نگرش وی نیز هم چنان تکثرگرایانه است. زیرا همانطور که ابن سینا در جهان بینی خویش قائل به وجودات متکثر است، سهروردی نیز گرچه قائل به تشکیک است، اما کثرت انگار تشکیکی است. وی رسیدن به حقیقت را تنها از طریق بحث و حقایق عقلی کافی نمی‌داند و معتقد است باید در کنار آن معرفت شهودی به حقایق پیدا کرد.

مسئله اصلی که در این تحقیق مطرح است، آن است که: بعضی معتقدند ملاصدرا در باب سعادت حرف جدیدی ندارد و تعریف ملاصدرا از سعادت با تعریف پیشینیان او از سعادت یکی است. جالب آن است که حتی بسیاری از کسانی که نوآوری‌های ملاصدرا در مسائل دیگر را می‌پذیرند، بر این باورند که ملاصدرا در این زمینه پیرو فارابی و ابن سینا است و چون آنان معرفت را اعم از حکمت نظری و حکمت عملی تنها راه رسیدن به سعادت می‌داند و در این رابطه حتی از عبارات گذشتگان بهره می‌برد. در حالی که این نوشتار به دنبال تبیین سعادت از دیدگاه ملاصدرا و اثبات نوآوری‌های وی در این موضوع است. می‌خواهیم تبیین کنیم که سعادت در چارچوب فلسفه ملاصدرا چیست و چگونه تعریف می‌شود؛ و البته آیا علامه طباطبایی با توجه به مبانی خویش، در این مسئله دیدگاه جدیدی را اتخاذ نموده است؛ و این دیدگاه چه تأثیری بر حکمت عملی در نظر علامه دارد. ما بر آنیم که در این تحقیق، سعادت از دیدگاه ملاصدرا و علامه را تبیین کنیم، برای بررسی عواملی که موجب این تفاوت‌های عمیق در فلسفه‌ی

ملاصدرا و علامه شده است، پرداختن به مبانی فلسفی آن‌ها بهترین راه است. این اختلاف در پاسخ به یکی از مهم‌ترین مسایل زندگی انسان یعنی سعادت قطعاً ریشه‌های عمیقی دارد که به مبانی آن‌ها بازمی‌گردد.

در نگرش وجود‌گرایانه ملاصدرا عقل فقط استدلال نیست، بلکه واقعیتی است که انسان با آن ارتباط عینی و اتحاد وجودی پیدا می‌کند.¹ از آن روست که وی در فلسفه‌اش هم با تفکر منطقی مدلل مواجه است و هم با عرفان و حکمت اشراقی سروکار دارد؛ هم به سلطنت عقل می‌اندیشد و هم از ذوق، از چشیدن حقیقت و از ادراک مستقیم واقعیت می‌گوید. او در واقع در فلسفه خود بین جنبه تلاقی با واقعیت و شهود آن از یک سو و درک عقلی نسبت به آن از سوی دیگر نوعی وحدت به وجود آورده است. نگاه خاص وی به وحی و آیات قرآنی وی را نماینده‌ی نظریه‌ی اتحاد قرآن، عرفان و برهان در فلسفه‌ی خویش کرده است. از سوی ملاصدرا برای رسیدن به سعادت راه‌هایی را نیز پیشنهاد می‌کند و ما را از مواعنی نیز بر حذر می‌دارد که در چارچوب نظریه وی بررسی خواهد شد. با اثبات نوآوری‌های ملاصدرا، گمان می‌رود که پس از وی در زمینه سعادت نظریه‌ی جدیدی وجود ندارد. در حالی که ما در این پایان نامه می‌خواهیم اثبات کنیم که علامه طباطبایی در این زمینه با توجه به مبانی جهان‌شناختی و انسان‌شناختی که دارد، نظریه جدیدی ارائه می‌دهد و راه رسیدن به سعادت را نزدیک‌تر و قابل‌وصول‌تر می‌کند. چپستی این نظریه و اثبات آن بر عهده‌ی این پایان نامه است. ادعا می‌کنیم که حکمت متعالیه از چنان زمینه‌ای برخوردار است که می‌تواند ناظر به مسائل عصر حاضر، پیام‌های حیاتی مؤثری برای انسان داشته باشد. علامه طباطبایی با نقد ضمنی ملاصدرا در این مسئله و بنیاد نویی که بنا می‌نهد، پاسخگوی بسیاری از مسائل بشری خواهد بود. سعادت از دیدگاه علامه طباطبایی قرب الی الله است. مبانی فلسفی علامه در وجود‌شناسی و خداشناسی به این نظریه منتهی می‌شود.

¹ - نصر، سیدحسین، معارف اسلامی در جهان معاصر، تهران، نشر علمی و فرهنگی، 1385، ص 204

ملاصدرا معتقد است صرف رسیدن به مقام مشاهده یا تحلیل عقلی حقایق به طور صرف، برای رسیدن به سعادت کافی نیست. گاه ملاصدرا به مسأله ی سعادت کاملاً وجودی است. رسیدن به ساحت وجود وسعه ی عرفانی پیدا کردن نهایت سعادت است. سعادت از نگاه علامه در قرب به خداوند است و این قرب لزوماً نیازمند گذر از حکمت نظری نیست.

از نکات مهم قابل بررسی دیدگاه ملاصدرا و علامه طباطبایی در باب نظر و عمل و نسبت میان آن دو است. البته همه ی اینها ریشه در نگرش آنان در بحث وجود و ماهیت و تبیین فلسفی آن دو دارد. نظر ملاصدرا را می بایست با سه اصل اساسی: اصالت وجود، تقدم وجود بر ماهیت و وحدت تشکیکی تبیین کرد. گرچه مباحث دیگری چون: نفس شناسی ملاصدرا و نظر او درباب حرکت و... نیز در سعادت تأثیر بسزایی دارد، اما این سه اصل شالوده بحث سعادت را پایه گذاری می کند. با توجه به اینکه علامه، خدا شناسی را اولین مسأله فلسفی می داند، و در ابتدای فلسفه اش آن را اثبات می کند، راه رسیدن به سعادت را شناخت خدا و عمل بر طبق دستورات او معرفی می کند؛ با تقویت این دو انسان به سعادت می رسد. راه رسیدن به سعادت از دیدگاه ملاصدرا، قرار دادن سه مؤلفه ی قرآن و برهان و عرفان در کنار یکدیگر است. درواقع سعید کسی است که علاوه بر داشتن قدرت تحلیل عقلی و بحث های نظری دقیق، و علاوه بر داشتن قدرت مشاهده ی حقایق و رسیدن به چشم حقیقت بین، با حقیقت قرآن مأنوس باشد. در واقع ملاصدرا به وسیله فلسفه این سه را هماهنگ و بهره مند از وحدت معرفی می کند. از نظر وی نظریه وجود، مصحح هماهنگی و وحدت میان این سه است. حال آن که علامه ملاک هماهنگی این سه را کلام خدا یعنی «قرآن» می داند. از نظر علامه قرآن معرفت پایه و میزان برای هماهنگی این سه است؛ و اساساً میزان برای هماهنگی میان حقانیت و درستی عقل و شهود و وحی قرآن است.

ملاصدرا روند رسیدن به سعادت را با ارزشی که برای نظر قائل است، و با توجه به مقدم دانستن وجود شناسی با تمام مسایلش، بسیار دور کرده است. از سوی دیگر عمل از نظر ملاصدرا عرض است. تا

جوهر وجودی انسان تغییر نکند، این عرض تغییر نمی کند. ملاصدرا عمل را در صورتی ارزشمند می شمرد که به ملکه تبدیل شود. ملکه نیز جوهر است. وجوهی انسان، تنها چیزی است که بعد از مرگ برای او باقی می ماند، در صورتی که علامه معتقد است کوچکترین عمل، اثر خویش را باقی می گذارد.

1-1-2 ضرورت انجام پژوهش:

در اصل مسأله‌ی سعادت و شقاوت ابهامی وجود ندارد، چرا که هر انسانی ذاتاً از شقاوت گریزان است. همان طور که علامه طباطبایی می گوید انسان در زندگی خود هرگز هدفی جز سعادت و خوشبختی و کامروائی خود ندارد. خوشبختی و سعادت شکلی است از زندگی که انسان آرزوی آنرا داشته شیفته آنست و چنانچه گاهی افرادی را می بینیم که از خوشبختی و سعادت خود رو گردانند مانند کسی که با انتحار به زندگی خود خاتمه می دهد یا از مزایای زندگی اعراض می کند، بواسطه عوامل ویژه‌ای سعادت زندگی را در آنچه تعقیب می کنند می دانند، مثلاً کسی که خودکشی می کند در اثر حمله و هجوم ناملایمات راحتی خود را در مرگ می بیند و مثلاً کسی که به زهد و ریاضت می پردازد، لذت مادی را بر خود تحریم میکند سعادت را در شیوه‌ای که پیش گرفته میداند. پس فعالیت زندگی انسان پیوسته برای دست یافتن بسعادت و پیروزی در آن راه میباشد خواه در تشخیص سعادت واقعی خود مصیب باشد یا مخطی.¹ ملاصدرا نیز می گوید: مقصود همه‌ی شرایع، راهنمایی مردم به سوی قرب الهی و سعادت و رسیدن از پایین ترین سطوح نقص به بالاترین مراتب کمال است.² اما شناخت حقیقت سعادت و شقاوت و عوامل ایجاد کننده‌ی آنها مشکل است و نیازمند بحثهای عمیق می باشد.

¹ - طباطبایی، سیدمحمدحسین، قرآن در اسلام، ص 5

² - شیرازی، صدرالدین محمد، الشواهد الربوبیة، 372

بدون اغراق یکی از مهم‌ترین سؤالات بشر از ابتدای خلقت چگونگی رسیدن به سعادت حقیقی است. نکته آن جاست که گاهی عواملی موجب می‌شوند، سعادت حقیقی در پرتو آمال و امیال انسانی گم بشود و انسان نتواند به درستی سعادت حقیقی را تشخیص دهد. فلاسفه هرکدام به نوعی به ترسیم سعادت می‌پردازند، تا جایی که فیلسوف بزرگ فارابی را فیلسوف سعادت نامیده‌اند. وی دو رساله ارزشمند «التنبیه علی سبیل السعاده» و «تحصیل السعاده» را در این زمینه تألیف نموده است. البته دیگر آثار وی نیز به طور خلاصه‌تر به این موضوع پرداخته‌اند. نظریه سعادت فارابی مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است؛ به طوری که بسیاری از فارابی‌شناسان معتقدند که فیلسوفان بعد به این جامعیت سخن نگفته‌اند و نظریه‌ی قابل دفاعی پس از او ارائه نشده است. ابن سینا نیز رساله‌ای به نام رساله السعاده در مجموعه رسائل خویش دارد و وی نیز در نمط هشتم از کتاب اشارات فصلی به نام «فی البهجه والسعاده» را تدوین کرده است.

1-1-3 سؤالات پژوهش:

- حقیقت سعادت از دیدگاه ملاصدرا چیست؟
- علامه طباطبایی در مورد حقیقت سعادت چه نظری دارد و این دیدگاه از چه نوآوری‌ای برخوردار است؟
- با وصف اینکه سعادت از دیدگاه ملاصدرا و علامه طباطبایی اکتسابی است، راه رسیدن به سعادت از دیدگاه آن دو چیست و چه تفاوتی دارد؟

4-1-1 فرضیه‌ها / پیش فرض‌ها:

- سعادت از دیدگاه ملاصدرا، رسیدن به ساحت وجود است. گرچه ملاصدرا نیز بحث قرب خداوند را طرح می‌کند، اما این مسئله را متفرع بر وجود شناسی می‌داند.
- از نگاه علامه طباطبایی سعادت در قرب به خداوند است و این قرب لزوماً نیازمند گذر از حکمت نظری نیست. علامه با اثبات خداوند به عنوان اولین مسئله‌ی فلسفی، معرفت نفس و شناخت خدا از طریق آن و در نتیجه تقرب به ساحت خداوند را به عنوان نخستین گام مطرح می‌کند.
- ملاصدرا برای رسیدن به سعادت، اصالت خاصی برای نظر قائل است. او پرداختن به مباحث وجود شناسی را مقدم می‌دارد. اما علامه گام را فراتر می‌نهد و با تمام ارزشی که برای نظر قائل است، عمل را در کنار نظر، قرار می‌دهد و با نگرش خاصی که نسبت به عمل دارد، این دو را برای رسیدن به سعادت ملازم هم می‌داند.

5-1-1 پیشینه پژوهش:

این پژوهش به دلیل کار بر روی نظریات علامه طباطبایی و پژوهش تطبیقی بین نظریه علامه طباطبایی و ملاصدرا در این موضوع، کاری نو می‌باشد. حتی می‌توان ادعا کرد در بررسی دیدگاه ملاصدرا در این باب، کاری صورت نگرفته است. در سطح رساله، رساله‌ی «سعادت از دیدگاه حکیمان مسلمان»¹ نوشته‌ی سید رحیم حسینی وجود دارد که گستره‌ی دامنه این رساله، از عمق آن در بررسی دیدگاه ملاصدرا کاسته است و دیدگاه علامه طباطبایی نیز در دامنه‌ی این رساله وجود ندارد.

¹ - حسینی، ر، 1385، "سعادت از دیدگاه حکیمان مسلمان"، دکتری، تربیت مدرس

در سطح پایان نامه نیز پایان نامه ای با عنوان «سعادت از منظر فارابی و ملاصدرا»¹ صورت گرفته که دامنه این کار با دامنه‌ی این پایان نامه متفاوت است.

در سطح مقاله نیز مسأله‌ی سعادت از دیدگاه فارابی، ابن سینا و افلوطین و ... در حوزه فلسفه‌ی اخلاق کار شده است. مقاله‌ای نیز در حوزه‌ی سعادت از دیدگاه ملاصدرا و علامه کار شده² (ابراهیم یعقوبی) که علاوه بر تفاوت‌های روش شناختی در تبیین نظریه، در زمینه نظریه علامه طباطبایی مقاله از نظر محتوایی قابل نقد است. از نظر منابع نیز از میان آثار علامه طباطبایی به تفسیر المیزان بسنده شده است. مقاله دیگری به نام «سعادت از دیدگاه ملاصدرا»³ نیز در این زمینه کار شده است که با کار تطبیقی این تحقیق متفاوت است. مقاله دیگری به همین عنوان: سعادت از دیدگاه ملاصدرا⁴ کار شده است که اساساً نه تنها کار تطبیقی نیست بلکه بر مبنای اصول زیربنایی ملاصدرا و مبانی او کار نشده است.

اما کتابی در این زمینه تألیف نشده است.

2-1 معنانشناسی سعادت:

احمد ابن فارس در معجم مقاییس اللغه⁵ می‌گوید:

کلمه سعد اصلی است که دلالت بر سرور می‌کند، بر خلاف نحس پس سعد به معنای

نیکی و خوبی در کار است.

1- اردستانی، ع، 1385، "سعادت از دیدگاه فارابی و ملاصدرا"، ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی

2- یعقوبی، ابراهیم، "سعادت از دیدگاه ملاصدرا و علامه طباطبایی"، فصلنامه دانشگاه قم، سال اول، شماره اول، 220-241

3- البیاسی، م و محمدرضایی، م، 1387، "سعادت حقیقی از دیدگاه ملاصدرا" فصلنامه آینه معرفت، پاییز 87، 77-106

4- خادمی، ع، "ملاصدرا و نظریه سعادت"، مجموعه مقالات همایش بزرگداشت صدرا، تهران، بنیاد حکمت، ص 123-142

5- احمد ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، ج 3، ص 57